

ارزیابی و اولویت‌بندی موانع مؤثر در مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی با استفاده از SWOT – AHP (مطالعه موردی: دهستان بناجوی شمالی)

علی اکبر تقیلو - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
علی مجنونی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
احمد آفتاب* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۴

چکیده

بررسی‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی پیش‌شرط توسعه بوده و بدون مشارکت، بهره‌برداران توسعه با مشکلات متعدد روبرو خواهند شد. همچنین اهمیت و ضرورت مشارکت اجتماعی امروزه به حدی می‌باشد که اصولاً به عقیده صاحب‌نظران توسعه بدون جلب مشارکت ذینفعان یا صورت نخواهد گرفت و یا پایدار نخواهد بود. بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت مشارکت، بخصوص اهمیت مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و الویت‌بندی مهم‌ترین موانع مشارکت اجتماعی روستائیان در فعالیت‌های عمرانی روستایی در دهستان بناجوی شمالی شهرستان بناب می‌باشد، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بکارگرفته شده در این پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و با اخذ نظرات روستائیان و کارشناسان ادارت مسئول در توسعه و عمران روستایی به‌دست آمده است، سپس از روی نتایج به دست آمده و با استفاده از مدل AHP گروهی اقدام به ارزیابی و الویت‌بندی مهم‌ترین موانع مؤثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در محدوده مورد مطالعه نموده، که نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از بین عوامل مختلف مؤثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی، به ترتیب عامل اجتماعی (۰/۰۵۸)، آموزشی - ترویجی (۰/۰۲۸)، نهادهای روستایی (۰/۰۱۹)، نهادهای دولتی (۰/۰۱۶)، اقتصادی (۰/۰۱۵) و در نهایت عامل حقوقی - قانونی (۰/۰۱۱) به ترتیب در رتبه‌های یک تا شش قرار دارند. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده از مرحله قبل و با استفاده از مدل SWOT و با تأکید بیشتر بر عوامل اجتماعی، استراتژی‌ها رفع این موانع و راهکارهای پیاده‌سازی این استراتژی‌ها تدوین شده است.

واژگان کلیدی: ارزیابی، اولویت‌بندی، موانع مشارکت اجتماعی، طرح‌های عمرانی، دهستان بناجوی شمالی، مدل AHP- SWOT

مقدمه

فرایند توسعه از مهمترین موضوعات مورد بحث در سرزمین‌ها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است، به طوری که توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند، و فرایند توسعه را زمانی با ثبات و موفقیت همراه میدانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (برقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴). در واقع، یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان هاست. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به عنوان فرآیند تعاملی چندسویه مطرح می‌شود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن هم‌فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (نورزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰). مشارکت گروهی از نگرش‌ها، روش‌ها و رفتارهاست که مردم را برای بحث و بررسی واقعیت‌های زندگی و شرایطشان قادر می‌سازد تا برای خود برنامه‌ریزی کنند و اینکه چه فعالیت‌هایی انجام دهند و نتایج آن را مشاهده و ارزیابی کنند (Chambers and Blackburn, 1996:1) مشارکت در تصمیم‌گیری یک مفهوم قدیمی ولی با اهداف سیاسی - اجتماعی جدید است و روزه‌روز هم بر اهمیت به‌کارگیری این نوع رویکرد مدیریتی افزوده می‌شود. به طوری که امروزه مشارکت در روند توسعه یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت محسوب می‌شود (Diana, 1999). مشارکت همه‌جانبه، برای توسعه نواحی روستایی ضروری است، چرا که هر کدام از بخش‌ها به تنهایی منابع ضروری و لازم را برای دستیابی به توسعه ندارند (Misra and Suar, 2005: 545). مشارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۱۹). در این میان، عمران روستایی با رویکرد مشارکتی، نقش زیربنایی و بنیادی در توسعه همه‌جانبه در جوامع روستایی داشته است. این نقش، با فراهم کردن تسهیلات عمومی مانند تامین آب آشامیدنی، حمام و مدرسه برای بهبود وضعیت زندگی روستائیان و با مشارکت آنان می‌تواند قابل تحقق باشد (قاسمی، ۸۰). از طرفی دیگر در کشورهای مانند ایران که دارای تنوع زیادی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیطی است، مدیریت متمرکز و دولتی دارای توجیه قابل قبولی نبوده و به هیچ‌وجه امکان موفقیت برنامه‌ها در این شیوه مدیریت روستاها وجود ندارد (موسوی، ۱۳۸۵: ۶۷). روستاها از منابع درآمدی محدودی برخوردار می‌باشند و همچنین بودجه اختصاصی از سوی دولت و دستگاه‌های اجرایی برای روستاها پاسخگوی همه طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در سطح روستاها نیست و روستاهای کشورمان از جمله روستاهای مورد مطالعه این پژوهش از بسیاری امکانات و عمران روستایی محروم هستند و این موجب مهاجرت‌های بسیار به شهرها شده و روستاها یا به صورت مکان‌های خوابگاهی در آمده و یا خالی از نیروی فعال و جوان روستایی و در مواردی خالی از سکنه شده‌اند. بنابراین با توجه اهمیت و ضرورت اهمیت مشارکت اجتماعی در روند توسعه روستاها و از آن جمله در روستاهای دهستان بناجوی شمالی، و همچنین به دلیل عدم وجود مطالعات پیشین در باب مشارکت اجتماعی روستائیان و نقش آن در میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، در محدوده مورد مطالعه، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ مناسب و مستدل به این پرسش است که «مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی در طرح‌های توسعه روستایی چه بوده و راه‌کارهای رفع این مشکلات چیست؟». و در این زمینه، با مدهای مناسب و کارآمد و از طریق شناسایی و اولویت‌بندی این عوامل و دلایل بتوان راهکارهای متناسب با خواست‌ها و نیازهای مردم و منطقه، زمینه‌های لازم را برای به حداکثر رساندن مشارکت اجتماعی در منطقه فراهم نموده و ضمن جلب مشارکت روستائیان در روند برنامه‌ریزی (تهیه، اجرا و نظارت)، نمونه‌ای از حکمرانی مطلوب را در منطقه پیاده نمود.

امروزه واژه مشارکت کاربرد زیادی یافته و در زمینه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. بسیاری از برنامه‌های هدف خود را جلب مشارکت سطح یا سطوحی از جامعه در اجرای طرح‌های توسعه قرار داده‌اند. و بسیاری از برنامه‌ها بر مبنای مشارکت جامعه در اجرای تمام یا بخشی از آن طرح‌ریزی می‌شوند (جمعه‌پور، ۱۳۷۳) با وجود قدمت مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه مشارکت برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ وارد فرهنگ توسعه گردید. و مدت‌ها نیز طول کشید تا وارد عرصه روستایی شود.

مسئله مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی موضوعی است که نقطه آغاز به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بر می‌گردد (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱). دلایل توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به کار رفته در گذشته در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن جست‌وجو کرد (Lea and Chaudhri, 1983: 22). برنامه‌ریزی عناصر بسیار دارد که مهم‌ترین آن، مشارکت است، مشارکت در برنامه‌ریزی و مسائل مربوط به آن، یکی از مهم‌ترین جهات دخالت افراد در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

دیدگاه‌ها درباره مشارکت

دیدگاه‌های رایج درباره مشارکت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

دیدگاه جامعه‌شناختی که از عمده‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه، می‌توان دیوید مک کله لند، اورت هیگن، ماکس وبر، رابرت دال، ریموند فرست و غیره را نام برد. در این دیدگاه، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت عبارت است از: «شه‌رنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، چندگانگی فرهنگی، پویایی گروهی، رشد اقتصادی، ویژگی‌های اجتماعی فرد، فرد». دیدگاه روانشناختی که از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت در این دیدگاه عبارت است از: «انگیزه‌ها، خصیصه‌های شخصیتی، تربیت روحی - روانی، سائقه‌ها و نگرش‌ها، اعتقادات مذهبی» (طالب و همکاران، ۱۳۹۰: ۴)

راهبرد مشارکت در توسعه روستایی

تجربیات علمی، بیانگر اهمیت بحث مشارکت اجتماعی در برنامه ریزی توسعه روستایی است. «مقوله مشارکت در دیدگاه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی، هم به منزله هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه بوده است» (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). از این رو، باید گفت که مشارکت مردمی، وسیله‌ای است که با آن افراد جامعه، قادر به دخالت در تدوین سیاست‌ها راهبردها، طرح‌ها و برنامه‌ها می‌شوند. «محورهای اصلی راهبرد مذکور، عبارت است از؛ تاکید بیشتر بر نیازهای مردم؛ توشیق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی؛ بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند، کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان؛ تشویق مردم برای تداوم و نگهداری طرح‌های توسعه. موضوع مسلم در راهبرد مذکور این است که برای نیل به توسعه پایدار، باید مشارکت مردم با طرح‌ها و برنامه‌ها همراه باشد.

نظریه‌های توسعه روستایی مشارکتی

- نظریه مهاتما گاندی: نظریه گاندی در واقع دنباله نهضت خودسازی روستاها در هند در دوران استعمار انگلیس است. در نظریه او، روستا یک واحد مستقل بود که محور خوداتکایی کشور محسوب می‌شود. روستا و کشاورزی، اساس توسعه مورد نظر گاندی بوده است (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۹۵). دو پایه اصلی نظریه گاندی عبارت است از: "خوداتکایی روستا" و "مشارکت و خودیاری روستایی". در دیدگاه مهاتما گاندی، مواردی مانند خوداتکایی، خودمختاری و خودبسندگی روستا، اهداف راهبرد توسعه روستایی محسوب می‌شود، وی برای نقش مشارکت و دخالت توده‌ها در توسعه، اهمیت فراوانی قائل بود (جمعه‌پور، ۱۳۸۴).

- نظریه ژولیوس نیرره: در این دیدگاه که نیرره با داشتن نگاه سوسیالیستی در سال ۱۹۶۴، آن را در کشور تانزانیا مطرح کرد، راه‌حل اصلی همه مشکلات کشورهای عقب مانده، براساس "توسعه روستایی بر محور مشارکت" توجیه می‌گردد (حامد مقدم، ۱۳۷۳). ایشان نیز مانند گاندی "تامین حداقل نیازهای اساسی" را هدف عمران روستایی مطرح کرده است و عمران روستایی را نیز از وظایف اصلی دولت‌ها.

- نظریه عبیدالله خان: عبیدالله خان با توجه به فقر و کیفیت زندگی، برای توسعه روستایی مواردی را به شرح زیر بیان کرده است: (۱) دادن اعتماد به نفس به روستائیان برای توسعه مشارکتی؛ (۲) اصلاحات ارضی؛ (۳) کشاورزی به عنوان محور توسعه؛ (۴) ارتباط بین دولت و مردم، به عنوان وظیفه رهبران محلی؛ (۵) مطرح کردن نقش دولت در توسعه (ازکیا، ۱۳۸۴).

- نظریه فریدمن و ویوور: فریدمن^۲ و ویوور^۳ از نظریه پردازان مشهور راهبرد روستا - شهر^۴ (توسعه روستا - شهری) هستند. نظریه مذکور، بر سه محور استوار است: الف) همکاری و داوطلبانه؛ ب) جماعت‌های روستایی یا ناحیه روستا - شهر؛ ج) روش توسعه غیر متمرکز (توسعه پایین به بالا). (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۳۰۲).

نظریه اعتماد اجتماعی

سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۶) زاده‌ی کنش و واکنش‌های افراد (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰) که به عنوان ابتکار و نتیجه‌ی انباشت فرآیندهای تعمقی داخل فعالیت‌های اجتماعی است (Woodhouse, 2006: 84) تعریف می‌کنند. سرمایه اجتماعی زمانی مفید است که بتواند یک اعتماد دو جانبه از ارزش‌ها را خلق و در مشارکت موثر واقع شود (Montgomery, 2000:228). این شکل از سرمایه حاصل روابط و تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت اعضای گروه‌های اجتماعی است (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۸۴: ۴۰). سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی به عنوان منبع اساسی در مناطق روستایی محسوب می‌شود به این دلیل که کنش‌های آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده و کیفیت زندگی جوامع روستایی را از هر منظر بهبود می‌بخشد (Tieph,reamer:2007:426- 427) روستاییانی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند به راحتی می‌توانند به منبع شناخت و آگاهی در راستای ارتقای تولید و ارزش افزوده دسترسی داشته و می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی جدیدی را خلق کرده و از فعالیت‌های اقتصادی موجود خودشان صیانت کرده و حتی آن را بهبود بخشند (Batjargal, 2007:605 - 607). «آنتونی گیدنز، اعتماد و تاثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند. هر جا که میزان اعتماد اجتماعی، فراوان باشد، مشارکت و همیاری مردم در حوزه‌های اجتماع، بیشتر و آسیب‌های اجتماعی، کمتر است. جیمز کلمن وجود اعتماد را عامل اصلی برقراری تعاملات و تبادلات اجتماع انسانی می‌داند. آسیب دیدن اعتماد عمومی در جامعه، به یقین بر کنش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاثیر می‌گذارد (ورسلی، ۱۳۷۳: ۴۹ به نقل از رضانیان، ۱۳۸۶: ۱۰۶ - ۱۰۵).

پیشینه پژوهش

در زمان حاضر، مشارکت در توسعه روستایی اگر نگوئیم به عنوان مسئله‌ای حیاتی و اساسی، دست کم به عنوان پدیده‌ای سودمند پذیرفته شده و فرض بر این است که مشارکت بیشتر، بهتر از کم بودن آن است. به نظر می‌رسد که راهبردهای گذشته توسعه روستایی به خاطر فقدان این امر شکست خورده‌اند (Lowe et al., 2005: 14).

یافته‌های پژوهش قاسمی (۱۳۸۴) در بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی کاشان نشان دهنده آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای رضایتمندی، انسجام اجتماعی، انگیزه پیشرفت، عضویت در نهادهای عمومی روستا، مالکیت باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی، ثروت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت سرپرستان خانوار روستایی در طرح‌های عمرانی است. شیخ حسنی و مهمان‌دوست (۱۳۸۹) در مطالعه نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستائیان در طرح‌های عمران روستایی مطالعه‌ی موردی: دهستان نساء، نشان می‌دهند که بر اساس آزمون t و یومان ویتنی که آگاهی از اهمیت مشارکت و همچنین میزان مشارکت اهالی روستای نساء از اهالی روستای ولایتروود بیشتر بوده و بر همین مبنا رشد، توسعه و پیشرفت طرح‌های عمرانی روستای نساء از روستای ولایتروود پیشی گرفته است. این را می‌توان یکی از عوامل مهم توسعه بهتر طرح‌های عمرانی در روستای نساء دانست. فتح‌الهی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمران روستایی (دهستان شروینه اط توابع شهرستان جوانرود) می‌پردازد. وی با استفاده از دیدگاه‌های نظری نوسازی، سرمایه اجتماعی و یافته‌های تجربی، عواملی مانند نوگرایی، تمایز به کار گروهی، اعتماد و انسجام اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و غیره، به عنوان عوامل موثر در مشارکت مردم در طرح‌های عمرانی مورد بررسی قرار گرفته است. کوهی و تقوی در مقاله تحت عنوان «سنجش میزان مشارکت روستائیان در پروژه‌های توسعه روستایی» از

1- Friedman

2- Weaver

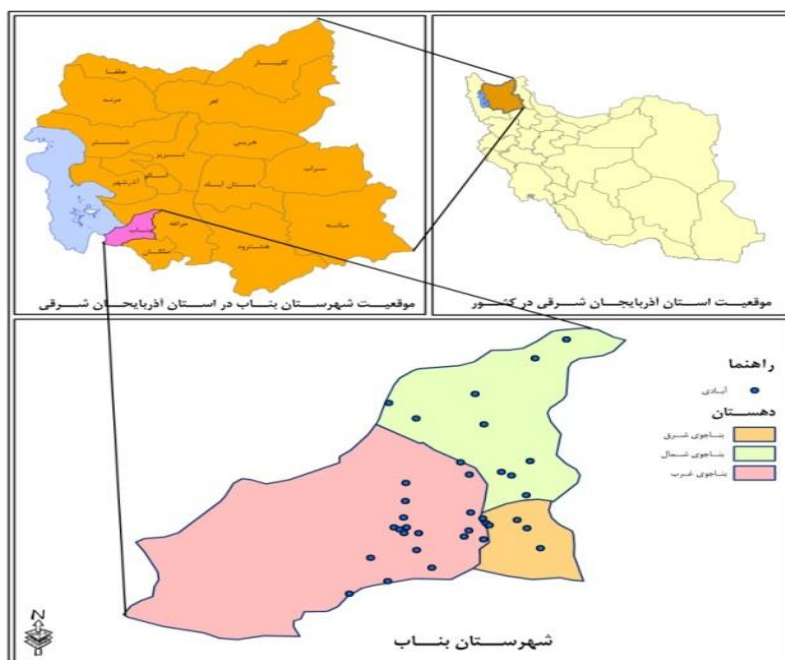
3- Agropolitan

مشارکت به عنوان عنصر اصلی در موفقیت یک طرح عمرانی روستایی یاد کرده و پیش‌نیاز اصلی برای مشارکت روستائیان را آزادی عمل روستائیان برای مشارکت اجتماعی می‌داند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که نگرش‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در فرایند یک طرح عمرانی می‌باشد (کوهی، تقوی، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۸۱). غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت و مشارکت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه؛ با تأکید بر ایران» با ارائه انواع دیدگاه‌های موجود در زمینه مشارکت اجتماعی روستائیان در روند توسعه و آبادانی روستایی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سیاست‌های دولت به عنوان مهمترین عامل در عدم مشارکت روستائیان یاد می‌کند که به طرق مختلف از جمله برنامه ریزی متمرکز و تشدد تصمیمات اتخاذ شده مانع از مشارکت گسترده روستائیان در روند توسعه روستایی شده است (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۸۴-۲۵۷).

از منابع خارجی نیز می‌توان به تعدادی از آنها اشاره نمود که با تحقیق حاضر دارای شباهت هستند، از جمله ردی (۱۹۷۳)، بورینی (۱۹۹۹) و آکابایاشی (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که عواملی نظیر وضعیت تأهل، تعداد اولاد، سن فرزندان، سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی، مالکیت اموال و خانه، جنسیت، قومیت، سلامتی فیزیکی و جسمی بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌های مختلف اثرگذار می‌باشد. دانیال لرنر در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، سوریه، اردن، ترکیه و ایران) به ارتباط مشارکت با متغیرهای اجتماعی، به این نتیجه رسیده است که جامعه مشارکتی، پس از طی مراحل متواتر و منظم شهرنشینی، گسترش سواد، دسترسی به رسانه‌های جمعی و با مشارکت سیاسی - اجتماعی، نمود عینی پیدا می‌کند (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

منطقه مورد مطالعه

شهرستان بناب با مختصات ریاضی $30^{\circ} 20' 37''$ عرض شمالی و $46^{\circ} 03' 15''$ طول شرقی، قرار گرفته است. و با وسعت ۷۷۹ کیلومترمربع در جنوب غربی استان واقع است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰، این شهرستان از یک بخش به نام مرکزی تشکیل و دارای ۳ دهستان می‌باشد، دهستان بناجوی غربی به مرکزیت روستای خانه‌برق جدید، دهستان بناجوی شرقی به مرکزیت روستای خوشه مهر و دهستان بناجوی شمالی (شامل ۱۰ روستا) به مرکزیت روستای روشت بزرگ قرار دارند. و در کل شهرستان بناب جمعاً دارای ۲۹ روستا می‌باشد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی دهستان‌های شهرستان بناب

جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از وضعیت اجتماعی و انسانی و طرح‌های عمرانی اجرا شده در ۱۰ سال اخیر را در محدوده دهستان بناجوی شمالی نشان می‌دهد براساس این جدول در ۱۰ سال گذشته ۳۱ طرح عمرانی در این دهستان اجرا شده که بیشترین آن در روستا روشت بزرگ (با ۶ طرح) و کمترین آن در روستای قیماس‌خان (با ۱ طرح) اجرا شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیتی روستاهای شهرستان بناب

روستا	خانوار	جمعیت	مرد	زن	میانگین باسوادی مردان	میانگین باسوادی زنان	باسوادی به تفکیک روستا (درصد)	طرح‌های عمرانی اجرا شده در ۱۰ سال اخیر
دوش	۲۳۱	۸۹۴	۴۴۱	۴۵۳	۸۹/۳	۸۳/۴	۸۶	۳
شورگل	۱۴۸	۵۴۳	۲۶۹	۲۷۴	۸۷/۴	۷۶/۳	۸۲	۳
قیماس‌خان	۱۲	۴۴	۲۳	۲۱	۷۳/۹	۶۶/۷	۷۰	۱
قره زکی	۲۹	۱۱۲	۵۶	۵۶	۸۰/۴	۷۵	۷۸	۳
صور	۷۲	۲۷۱	۱۴۵	۱۲۶	۸۸/۳	۷۷	۸۳	۴
توته‌خانه	۱۶۳	۶۰۰	۳۰۳	۲۹۷	۹۰/۸	۸۵/۲	۸۸	۴
روشت کوچک	۷۱۶	۱۳۱۴	۶۷۳	۶۴۱	۸۶/۳	۸۴/۴	۸۵	۳
زاوشت	۱۱۴۰	۳۹۶۸	۱۹۶۷	۲۰۰۱	۹۱/۷	۸۶/۱	۸۹	۴
روشت بزرگ	۷۱۶	۲۴۷۹	۱۱۱۹	۱۲۸۰	۸۳/۶	۷۹	۸۱	۶

منبع: سالنامه آمار ۱۳۹۰

روش پژوهش

بدین ترتیب بر اساس دیدگاه‌های فوق‌الذکر، نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی علمی به موانع عدم مشارکت اجتماعی در محدوده مورد مطالعه، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب برای تحقیق ۳۲۰ نفر به‌دست آمد از سویی، برای دسترسی به نتایج مناسب، پرسشنامه‌ها در دو سطح طراحی شدند. دلیل اصلی برای طراحی پرسشنامه‌ها در دو سطح این بود که بدین طریق بتوان زمینه‌های تفاوت میان نگاه مسئولان و روستائیان در مسئله مشارکت در مدیریت با رویکرد مشارکت اجتماعی شناخت و همچنین از نظرات هر یک از این گروه‌ها در زمینه موانع مشارکت اجتماعی روستائیان منطقه آشنا شد. سطح اول پرسشنامه عبارت است از ۱۰ روستای هدف تحقیق و سطح دوم نیز تعداد پنج سازمان دولتی مسئول در توسعه روستایی انتخاب شده‌اند که عبارتند از بنیاد مسکن، سازمان جهاد کشاورزی شهرستان بناب، سازمان میراث فرهنگی، اداره محیط‌زیست شهرستان بناب، شبکه بهداشت و درمان شهرستان. که جمعاً ۲۵ پرسشنامه در بین ادارت توزیع شده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش‌های رایج سنجش پایایی، یعنی آلفای کرونباخ با تأکید بر همسانی درونی و با کمک نرم‌افزار استفاده شده است. در نهایت از روی نتایج به دست آمده از پرسشنامه اقدام به تشکیل مدل AHP گروهی شده است. و متناسب با مراحل مدل AHP در اولین گام معیارها و زیر معیارهای مؤثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی (۶ معیار و ۳۴ زیر معیار) مشخص شده است (جدول ۲).

جدول ۲. چارچوب موانع مشارکت اجتماعی در دهستان بناجوی شمالی

سیستم	معیار	کد زیر معیارها	شاخص
موانع مشارکت اجتماعی	اقتصادی (C1)	E ₁	گرانی های چند سال اخیر
		E ₂	نداشتن توان مالی روستائیان برای مشارکت مالی در طرح ها
		E ₃	عدم پشتیبانی مالی دولت از روستائیان در روند جلب مشارکت آنان
	اجتماعی و فرهنگی (C2)	S ₁	عدم اعتقاد به نقش موثر برای مشارکت در یک طرح عمرانی
		S ₂	بی اعتمادی به سازمان مجری طرح در مورد وعده زمان اتمام طرح
		S ₃	احساس بیگانگی با مسئولان اداری
		S ₄	وجود اختلاف و چند دستگی میان افراد مختلف در داخل روستا
		S ₅	عدم رضایت از شرایط فعلی روستا
		S ₆	نبود انگیزه معنوی برای مشارکت در طرح
		S ₇	تمایل بیشتر برای زندگی در شهر و مشارکت در شهر
		S ₈	نبود انگیزه مادی برای مشارکت
نهادهای دولتی (C3)	S ₉	ترجیح منافع شخصی به منافع گروهی روستائیان	
	S ₁₀	نبود انگیزه پیشرفت در محیط روستا	
	S ₁₁	عدم احساس امنیت در محیط روستا	
	G ₁	هماهنگ نبودن سازمان های دولتی با مردم محلی روستا در مورد مشارکت	
	G ₂	عدم آشنایی کارشناسان ادارت مربوطه با مفاهیم مشارکت اجتماعی	
نهادهای روستایی (C4)	G ₃	عدم احترام به دانش و تجربه بومی روستائیان توسط سازمان های دولتی	
	G ₄	مطابق نبودن برنامه های اجرا شده قبلی در با نیاز ها و خواست‌های شما	
	G ₅	بی‌برنامه‌گی در میان مسئولان اداری در امور جلب مشارکت روستائیان	
	R ₁	نبود تشکل مستقل برای جلب مشارکت های مردمی در روستا	
	R ₂	بی سوادی شوراهای اسلامی روستا	
	R ₃	بی سوادی دهیاری‌ها	
	R ₄	عدم توانایی شوراهای جهت توجیه مردم برای مشارکت	
R ₅	نداشتن قدرت اجرایی شوراهای اسلامی روستا برای جلب مشارکت مردم		
آموزشی و ترویجی (C5)	R ₆	آشنا نبودن شوراهای و دهیاری‌ها با اصول و مفاهیم مشارکت اجتماعی	
	R ₇	ترجیح منافع شخصی توسط شوراهای بر منافع عمومی روستا از طرح های عمرانی	
	ED ₁	پایین بودن سطح سواد روستائیان	
	ED ₂	کمبود دانش و آگاهی روستائیان نسبت به پروژه و اهداف اجرای پروژه	
حقوقی و قانونی (C6)	ED ₃	عدم برگزاری کلاسهای توجیهی توسط ادارت قبل از اجرای پروژه	
	ED ₄	وجود روحیه مقاوم در روستا در برابر مشارکت توجیهی	
	L ₁	عدم پشتیبانی قانون از مشارکت روستائیان در طرح‌ها	
	L ₂	مشخص نبود حدود اختیارات ادارت دولتی و قانونی	
	L ₃	شفاف نبودن قانون در زمینه مشارکت	
	L ₄	غیر واقع بودن قوانین مصوب با واقعیت های موجود در مشارکت روستائیان	

در گام بعدی اقدام به تشکیل ماتریس مقایسه‌ی دوجه دویی برای نتایج به دست آمده از سطوح دوگانه پرسشنامه شده و بعد از وارد کردن وزن هر شاخص، با استفاده از فرمول زیر جدول نهایی مقایسه دوجه دویی تشکیل شد.

$$X'_{ij} = (\prod_{j=1}^k x_{ij})^{1/k}$$

سطر و ستون جدول ۱ تا ۶: X₁₂₃₄₅₆

K: تعداد جدول

بعد از به دست آمدن الویت هریک از معیارها و الویت بندی آنها، با توجه به ضرورت تدوین راهکارهای برای از بین برداشتن این موانع با استفاده از مدل SWOT اقدام به تشکیل جداول جداگانه عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید شده است.

جدول ۳. نقاط قوت مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی

شاخص	معیار
s1	افزایش سطح آگاهی روستائیان نسبت به قبل
s2	کاهش مهاجرت نسبت به قبل
s3	افزایش دسترسی به رسانه های جمعی
s4	آشنایی بیشتر مردم با حقوق خود در برابر دولت
s5	تمایل به کار گروهی
s6	افزایش سطح فعالیت دهیارها
s7	روی کار آمدن افراد با سواد به عنوان شوراهای اسلامی
s8	افزایش انگیزه مردم به بهبود وضع خود
s9	اعتقاد به امکان پیشرفت در محیط روستا
s10	قبول موثر بودن مشارکت در میان مردم روستائیان
s11	تغییر نگرش در مورد مشارکت زنان در بیرون از خانه
s12	خارج شدن روستاها از انزوای قبلی
s13	افزایش تعداد تحصیل کردگان روستا نسبت به قبل

مطابق مدل SWOT بعد از تدوین نقاط قوت اقدام به انتخاب نقاط ضعف مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی گردیده است (جدول ۴).

جدول ۴. نقاط ضعف مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی در فعالیتهای عمرانی

شاخص	معیار
w1	نداشتن توان مالی روستائیان برای مشارکت مالی در طرح ها
w2	عدم اعتقاد به نقش موثر برای مشارکت در یک طرح عمرانی
w3	بی اعتمادی به سازمان مجری طرح در مورد وعده زمان اتمام طرح
w4	احساس بیگانگی با مسئولان اداری
w5	وجود اختلاف و چند دستگی میان افراد مختلف در داخل روستا
w6	عدم رضایت از شرایط فعلی روستا
w7	نبود انگیزه پیشرفت در محیط روستا
w8	عدم احساس امنیت در محیط روستا
w9	نبود تشکل مستقل برای جلب مشارکت های مردمی در روستا
w10	بی سوادی شوراهای اسلامی روستا و دهیاری ها
w11	نداشتن قدرت اجرایی شوراها اسلامی روستا برای جلب مشارکت مردم
w12	آشنا نبودن شوراها و دهیاری ها با اصول و مفاهیم مشارکت اجتماعی
w13	ترجیح منافع شخصی توسط شوراها بر منافع عمومی روستا از طرح های عمرانی
w14	پایین بودن سطح سواد روستائیان
w15	کمبود دانش و آگاهی روستائیان نسبت به پروژه و اهداف اجرای پروژه

بعد از تهیه جدول نقاط قوت و ضعف که به عنوان عوامل داخلی در مدل SWOT معروف هستند اقدام به تشکیل نقاط قوت برای مشارکت اجتماعی شده است (جدول ۵).

جدول ۵. نقاط فرصت مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی در فعالیت‌های عمرانی

شاخص	معیار
o1	تغییر نگرش مسئولین به روستائیان
o2	باور مسئولین نسبت به ضرورت استفاده از دانش بومی توسط مسئولین
o3	قبول شکست طرح در صورت عدم مشارکت مردم بومی
o4	اثبات مفید بودن مشارکت توسط تجارب داخلی و خارجی
o5	حمایت دولت از مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی
o6	کاهش مهاجرت نیروی کار نسبت به قبل
o7	برگزاری دوره‌های آموزشی توسط کارشناسان ادارت
o8	انجام تحقیقات تخصصی از طرف محافل علمی در مورد زوایای مختلف مشارکت

و در نهایت در آخرین مرحله از شناسایی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی و مطابق با مراحل انجام مدل SWOT جدول نقاط تهدید برای پژوهش حاضر تشکیل گردیده است (جدول ۶).

جدول ۶. نقاط تهدید مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی در فعالیت‌های عمرانی

شاخص	معیار
t1	گرانی‌های چند سال اخیر
t2	عدم پشتیبانی مالی دولت از روستائیان در روند جلب مشارکت آنان
t3	هماهنگ نبودن سازمان‌های دولتی با مردم محلی روستا در مورد مشارکت
t4	عدم آشنایی کارشناسان ادارت مربوطه با مفاهیم مشارکت اجتماعی
t5	عدم احترام به دانش و تجربه بومی روستائیان توسط سازمان‌های دولتی
t6	عدم برگزاری کلاسهای توجیهی توسط ادارت قبل از اجرای پروژه
t7	عدم پشتیبانی قانون از مشارکت روستائیان در طرح‌ها
t8	مشخص نبودن حدود اختیارات ادارت دولتی
t9	شفاف نبودن قانون در زمینه مشارکت
t10	غیر واقعی بودن قوانین مصوب با واقعیت‌های موجود در مشارکت روستائیان

در مرحله بعدی و از روی نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها اقدام به محاسبه ضریب اهمیت هریک از معیارهای فوق گردیده است و بعد از این مرحله نمودار قرار گیری وضعیت مشارکت اجتماعی روستاهای محدوده مورد مطالعه از نظر عوامل داخلی و خارجی ترسیم شده است و در مرحله آخر پیاده‌سازی مدل SWOT اقدام به تدوین چهار استراتژی و با رویکرد استراتژی‌های موانع اجتماعی شده است و راهکارهای اجرایی شدن این استراتژی‌ها ارائه شده است.

یافته‌ها و بحث

نتایج توصیفی

همان‌طور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد از بین پاسخ دهندگان ۵۹ درصد مرد و ۴۱ درصد را زنان تشکیل داده‌اند و میانگین مشارکت مردان در طرح‌های عمرانی ۲/۴۱ و میانگین دفعات مشارکت زنان نیز ۰/۸۷ بوده است. و همچنین از نظر سطح سواد نیز بیشتر سطح را ابتدایی (۳۱/۱۱) و راهنمایی (۳۳/۱۵) و دیپلم (۴۰/۱۹) درصد تشکیل داده‌اند.

جدول ۷. مشخصات فردی نمونه مورد مطالعه

درصد مرد	درصد زن	بعدخانوار	درصد اشتغال	درصد بیکاری	میانگین سنی	میانگین دفعات شرکت مردان در طرح‌ها
۵۹	۴۱	۳/۸	۸۶/۹۴	۳/۱۵	۳۹/۱۲	۲/۴۱
میانگین درآمد به تومان	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	لیسانس و بالاتر	میانگین دفعات شرکت زنان در طرح‌ها
۶۲۰	۷/۳۳	۳۱/۱۱	۳۳/۱۵	۴۰/۱۹	۱۹/۳۳	۰/۸۷

نتایج استنباطی

در این قسمت از پژوهش به منظور الویت‌بندی معیارها و زیر معیارهای موثر در مشارکت اجتماعی روستائیان از مدل AHP گروهی و برای تدوین راهکارهای مناسب برای از میان برداشتن این موانع از مدل SWOT استفاده شده است.

نتایج حاصل از مدل AHP گروهی

در این مرحله از تحقیق امتیاز معیارها، با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها محاسبه شده که نتیجه نهایی آن در جدول شماره ۸ آورده شده است.

در واقع می‌توان گفت این جدول به عنوان آخرین مرحله از مراحل پیاده سازی مدل AHP گروهی بوده که نتایج نهایی هر یک از معیارهای مربوط به عوامل موثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در فعالیت‌های عمرانی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که از بین معیارهای شش گانه مورد سنجش، عوامل اجتماعی با امتیاز ۰/۰۵۸ بیشترین تأثیر را در عدم مشارکت روستائیان داشته است و از بین عوامل اجتماعی نیز عامل احساس بیگانگی با مسئولان ادارات دولتی با امتیاز ۰/۰۷۸ در اولویت اول قرار گرفته و پس از آن نیز معیارهای عدم رضایت از شرایط فعلی روستا (۰/۰۷۶)، تمایل به زندگی در محیط شهری (۰/۰۷۴)، عدم احساس امنیت اقتصادی کامل در روستا (۰/۰۶۹) در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

بعد از معیارهای اجتماعی؛ عوامل مربوط به آموزشی و ترویجی با کسب امتیاز ۰/۰۲۸ در اولویت دوم قرار گرفته و از بین زیر معیارها آن، سطح پایین سواد و وجود روحیه مقاوم در روستاها مشترکا با امتیاز ۰/۰۲۹ در اولویت اول قرار گرفته و همچنین زیرمعیارهای پایین بودن دانش و آگاهی روستائیان نسبت به اهداف پروژه‌های عمرانی در حال اجرا و همچنین عدم برگزاری کلاس‌های توضیحی و آموزشی با کسب امتیاز ۰/۰۲۶ در الویت بعدی قرار گرفته‌اند. موانع مربوط به نقش نهادهای دولتی در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان در فعالیت‌های عمرانی، عوامل هماهنگ نبودن سازمان‌های دولتی با مردم روستاها در روند مشارکت محلی آنان، عدم آشنایی مسئولان ادارات با اصول و مفاهیم مشارکت اجتماعی، مطابق نبودن برنامه‌های اجرا شده قبلی با خواست‌ها و نیازهای روستاها با امتیاز ۰/۰۱۷ در اولویت اول قرار داشته، و بی‌برنامه‌گی در میان سازمان‌های مختلف دولتی در روند جلب مشارکت اجتماعی روستائیان با امتیاز ۰/۰۱۶ در اولویت دوم و عدم احترام مسئولان ادارات به دانش و تجربیات روستائیان با امتیاز ۰/۰۱۵ در اولویت سوم قرار گرفته است.

معیارهای سه‌گانه اقتصادی نیز با امتیاز ۰/۰۱۵ در اولویت پنجم از نظر مؤثر بودن در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان بوده و از بین عوامل اقتصادی نیز عامل‌های گرانی‌های چند سال اخیر (۰/۰۱۷)، عدم حمایت مالی دولت از روستائیان (۰/۰۱۵) و نداشتن توان مالی روستائیان (۰/۰۱۳) به ترتیب در اولویت‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. در نهایت معیارهای مربوط به قانون با کسب امتیاز ۰/۰۱۱ در رتبه آخر قرار گرفته، از بین این عوامل نیز شفاف نبودن قانون‌های موجود در زمینه جلب مشارکت‌های مردمی (۰/۰۱۳)، عدم حمایت قانون از حقوق روستائیان در روند مشارکت (۰/۰۱۱)، غیر واقع بودن قوانین موجود با واقعیت‌های مشارکت (۰/۰۱۰) در اولویت‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. نرخ ناسازگاری این محاسبات ۰/۸۵۶ محاسبه شده است که نشان از درست بودن محاسبه امتیاز شاخص‌ها می‌باشد.

جدول ۸. ارزش نهایی شاخص‌های مؤثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی با استفاده از

AHP گروهی

شاخص	امتیاز	میانگین	شاخص	امتیاز	میانگین	
E1	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	R1	۰/۰۱۸	۰/۰۱۹	
E2	۰/۰۱۳		R2	۰/۰۱۴		
E3	۰/۰۱۵		R3	۰/۰۲۶		
S1	۰/۰۳۸	۰/۰۵۸	R4	۰/۰۲۳		
S2	۰/۰۴۲		R5	۰/۰۱۷		
S3	۰/۰۷۸		R6	۰/۰۱۶		
S4	۰/۰۵۸		R7	۰/۰۱۷		
S5	۰/۰۷۶		ED1	۰/۰۲۹	۰/۰۲۸	
S6	۰/۰۵۷		ED2	۰/۰۲۶		
S7	۰/۰۷۴		ED3	۰/۰۲۶		
S8	۰/۰۴۹		ED4	۰/۰۲۹		
S9	۰/۰۴۸		۰/۰۱۱	G1	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶
S10	۰/۰۴۵			G2	۰/۰۱۷	
S11	۰/۰۶۹			G3	۰/۰۱۵	
L1	۰/۰۱۱	G4		۰/۰۱۷		
L2	۰/۰۰۹	G5		۰/۰۱۶		
L3	۰/۰۱۳					
L4	۰/۰۱۰					

نتایج حاصل از مدل SWOT

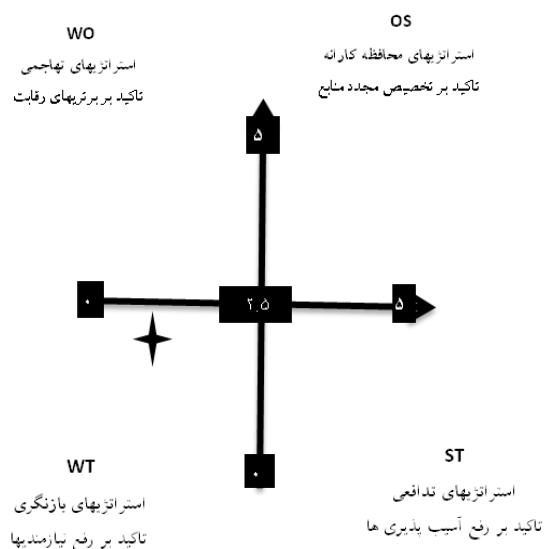
بعد از محاسبه امتیاز معیارها اقدام به تشکیل جدول نقاط چهارگانه SWOT شده است تا ارزش هر یک از معیارها برای تدوین استراتژی محاسبه شود (جدول ۹).

جدول ۹. امتیاز نقاط چهارگانه در مدل SWOT

شاخص	میانگین	ضریب اهمیت	ارزش نهایی	شاخص	میانگین	ضریب اهمیت	ارزش نهایی
s1	۳/۴۷	۰/۰۴	۰/۱۵	w11	۳/۲۴	۰/۰۴	۰/۱۳
s2	۲/۶۳	۰/۰۳	۰/۰۹	w12	۳/۳۷	۰/۰۴	۰/۱۴
s3	۴/۸۳	۰/۰۵	۰/۲۱	w13	۳/۸۱	۰/۰۵	۰/۱۸
s4	۳/۱۸	۰/۰۴	۰/۱۳	w14	۴/۱۷	۰/۰۵	۰/۲۲
s5	۳/۵۵	۰/۰۴	۰/۱۶	w15	۳/۶۸	۰/۰۵	۰/۱۷
s6	۲/۶۵	۰/۰۳	۰/۰۹	o1	۳/۲۱	۰/۱۲	۴۰

شاخص	میانگین	ضریب اهمیت	ارزش نهایی	شاخص	میانگین	ضریب اهمیت	ارزش نهایی
s7	۲/۲۱	۰/۰۳	۰/۰۶	o2	۲/۸۷	۰/۱۱	۰/۳۲
s8	۴/۳۶	۰/۰۵	۰/۲۴	o3	۳/۰۱	۰/۱۲	۰/۳۵
s9	۳/۹۴	۰/۰۵	۰/۲۰	o4	۳/۶۵	۰/۱۴	۰/۵۱
s10	۳/۷۰	۰/۰۵	۰/۱۷	o5	۳/۳۲	۰/۱۳	۰/۴۲
s11	۳/۶۵	۰/۰۵	۰/۱۷	o6	۳/۲۳	۰/۱۲	۰/۴۰
s12	۳/۴۷	۰/۰۴	۰/۱۵	o7	۳/۲۰	۰/۱۲	۰/۳۹
s13	۳/۹۳	۰/۰۵	۰/۲۰	o8	۳/۴۷	۰/۱۳	۰/۴۶
w1	۳/۷۱	۰/۰۵	۰/۱۷	t1	۲/۳۷	۰/۰۷	۰/۱۸
w2	۳/۲۰	۰/۰۴	۰/۱۳	t2	۳/۸۱	۰/۱۲	۰/۴۶
w3	۳/۸۵	۰/۰۵	۰/۱۹	t3	۲/۷۷	۰/۰۹	۰/۲۴
w4	۳/۸۷	۰/۰۵	۰/۱۹	t4	۳/۱۷	۰/۱۰	۰/۳۲
w5	۳/۵۵	۰/۰۴	۰/۱۶	t5	۳/۲۰	۰/۱۰	۰/۳۲
w6	۴/۱۳	۰/۰۵	۰/۲۲	t6	۳/۷۶	۰/۱۲	۰/۴۵
w7	۳/۵۵	۰/۰۴	۰/۱۶	t7	۲/۹۷	۰/۰۹	۰/۲۸
w8	۲/۷۵	۰/۰۳	۰/۱۰	t8	۳/۱۷	۰/۱۰	۰/۳۲
w9	۲/۹۵	۰/۰۴	۰/۱۱	t9	۳/۱۳	۰/۱۰	۰/۳۱
w10	۲/۸۵	۰/۰۴	۰/۱۰	t10	۳/۲۶	۰/۱۰	۰/۳۴

با محاسبه ارزش نهایی عوامل داخلی (S و W) و عوامل خارجی (O و T) موقعیت قرار گیری روستاهای دهستان بناجوی شمالی از نظر عوامل داخلی (۱/۲۳) و عوامل خارجی (۲/۰۰) به دست آمده است. که بیانگر به کارگیری استراتژی‌های بازنگری می باشد (شکل ۲).



شکل ۲. راهبردهای مورد تاکید در رفع موانع مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی دهستان بناجوی شمالی

سپس به منظور اولویت بندی استراتژی‌های پیشنهادی اقدام به تهیه ماتریس استراتژیک کمی، با توجه به تجزیه و تحلیل مراحل قبل چارچوب جامع تدوین استراتژی شد، که نتایج آن در ماتریس های استراتژیک زیر برای مدیریت روستایی کشور آورده شده است و در آن پنج استراتژی پیشنهاد شده مورد بررسی قرار گرفته است.

استراتژی اول: نهادینه کردن و اجرای الگوی حکمروایی خوب روستایی در چارچوب پارادایم توسعه پایدار روستایی با رویکرد مشارکت محلی.

استراتژی دوم: توسعه و بکارگیری نظام مدیریت یکپارچه روستایی و تشکیل سازمان جامع و یکپارچه‌ی راهبری و مدیریت توسعه روستایی.

استراتژی سوم: توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مدیران روستایی و نهادهای محلی (دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی و سایر نهادها و مدیران محلی).

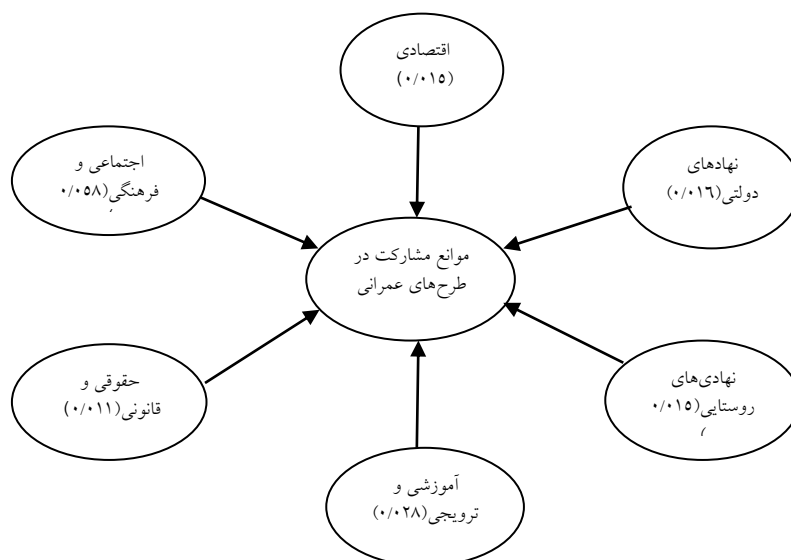
استراتژی چهارم: بهره‌گیری از دانش بومی روستائیان و مدیریت سنتی روستایی در ساختار نوین مدیریتی و ارائه آموزش به آنان.

جدول ۱۰. ارزش نهایی استراتژی‌ها

استراتژی‌ها	جذابیت عوامل داخلی	جذابیت عوامل خارجی	میانگین نمرات	رتبه نهایی
استراتژی اول	۲/۶	۲/۵۹	۲/۵۹	۳
استراتژی دوم	۲/۱	۲/۵	۲/۳	۴
استراتژی سوم	۳/۰۹	۳/۰۷	۳/۰۸	۲
استراتژی چهارم	۳/۱۵	۳/۱۰	۳/۱۲	۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه مشارکت روستائیان در امور روستایی و با دید تخصصی‌تر در طرح‌های توسعه روستایی، به عنوان یک ضرورت برنامه‌ریزی روستایی انکارناپذیر است. و به اندازه اهمیت یافته است که به اعتقاد بیشتر اندیشمندان توسعه بدون مشارکت افراد محلی صورت نگرفته و در صورت حصول نیز پایدار نخواهد بود. ولی همانطوریکه در مباحث قبل از جمله ادبیات تحقیق نیز اشاره شد، چالشها و نارساییهای متعددی به لحاظ ساختاری - نهادی و مدیریتی در مدیریت توسعه روستایی کشور وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: فقدان ساختار سازمانی و تشکیلاتی مشخص، منسجم و یکپارچه در سطح کلان مدیریتی کشور با توجه به ماهیت توسعه روستایی، بالاتکلیفی مدیریت توسعه در محیط روستایی کشور در سطح خرد، تغییر مداوم ساختار مدیریت توسعه روستایی در چند دهه گذشته بدون جهت‌گیری قابل توجه به سمت بهبود وضعیت و اصلاح ساختار، موازی‌کاری و تداخل وظایف دستگاه‌های متعدد اجرایی در برنامه‌ریزی. مانع از استفاده از ظرفیت‌های سرشار روستائیان در روند اجرای طرح‌های عمرانی شده است. همان‌طور که مطرح شد پژوهش حاضر، ارزیابی و اولویت‌بندی موانع مشارکت اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. همان‌گونه که نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد، از بین پاسخ دهندگان ۵۹ درصد مرد و ۴۱ درصد را زنان تشکیل داده‌اند و میانگین مشارکت مردان در طرح‌های عمرانی ۲،۴۱ و میانگین دفعات مشارکت زنان نیز ۰/۸۷ بوده است. از نظر سطح سواد بیشترین فراوانی افراد مورد مطالعه، دارای سواد دیپلم بوده‌اند. همچنین در پژوهش حاضر داده‌ها با استفاده از مدل AHP گروهی و SWOT تحلیل شده که نتایج حاصل از AHP گروهی نشان می‌دهد بین معیارهای شش‌گانه مورد سنجش (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نهادهای دولتی، نهادهای روستایی، آموزشی و ترویجی، حقوقی و قانونی)، عوامل اجتماعی و فرهنگی با امتیاز ۰/۵۸ بیشترین و عوامل حقوقی و قانونی با امتیاز ۰/۱۱ کمترین تأثیر را در عدم مشارکت روستائیان بناجوی شمالی داشته است و از بین عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز زیرمعیار احساس بیگانگی با مسئولان ادراست دولتی با امتیاز ۰/۷۸ در اولویت اول قرار گرفته و پس از آن نیز معیارهای عدم رضایت از شرایط فعلی روستا (۰/۷۶)، تمایل به زندگی در محیط شهری (۰/۷۴)، عدم احساس امنیت اقتصادی کامل در روستا (۰/۶۹) در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. میزان تأثیر گذاری سایر عوامل در نمودار زیر نشان داده شده است



شکل ۲. ارزش نهایی شاخص‌های مؤثر در عدم مشارکت اجتماعی روستائیان دهستان بناجوی شمالی

بعد از محاسبه امتیاز معیارها، جدول SWOT تشکیل گردید با محاسبه ارزش نهایی عوامل داخلی (S و W) و عوامل خارجی (O و T) موقعیت فرار گیری روستاهای دهستان بناجوی شمالی از نظر عوامل داخلی (۱/۲۳) و عوامل خارجی (۲/۰۰) به دست آمد که بیانگر به کارگیری استراتژیهای بازنگری و رفع نیازمندیها می‌باشد.

با عنایت به یافته‌ها و نتایج پژوهش، برای مشارکت بیشتر و مطلوب روستائیان بناجوی شمالی در طرح‌های عمرانی، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- تفویض اختیار و تسهیم قدرت دولت به رهبران محلی و روستائیان، با هدف تمرکززدایی امور مربوطه.
- توجه خاص به حفظ ثبات و انسجام اجتماعی با مشارکت مردم، دولت و رهبران محلی، از طریق ارزش دادن به تشکلهای غیردولتی و شوراهای
- تقویت کتابخانه‌های عمومی روستایی و امکان مطالعه رایگان روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها.
- تهیه و پخش برنامه‌هایی با در نظر گرفتن ویژگی‌های روستا و روستایی به منظور ارتقای سطح آگاهی روستائیان در زمینه مشارکت
- علیرغم نیاز روز افزون جوامع روستایی به کاربرد تکنولوژی جدید، پذیرش تکنولوژی در روستاها بسیار اندک است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علت این عدم پذیرش عدم تناسب تکنولوژی با شرایط محیطی روستاهاست. صاحب‌نظران توسعه معتقدند برای پذیرش این فن‌آوری استفاده از دانش بومی راه گشاست. بنابراین پیش زمینه استفاده از دانش بومی این است که مسئولان به این باور برسند که: (۱) دانش روستائیان صرفاً فنی نیست، این دانش طیفی از آرزوها، ارزشها و اولویتهای روستائیان را در بر می‌گیرد. (۲) دانش روستائیان ایستا نیست. این دانش در رهگذر تاریخچه‌های فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی که مردم در آن به سر می‌برند، شکل گرفته است. (۳) دانش روستائیان هرگز کافی نیست.
- موانع ارتباطی که عملاً باعث رکود فرایند دوسویه ارتباط و جریان دائمی و پویای دانش میان روستائیان، کارشناسان و محققان می‌شود، مرتفع گردد.

منابع

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.

ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۴). بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهری. نامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۶۴-۳۳.

برقی، حمید؛ قنبری، یوسف؛ افشاری‌پور، علی (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه اقتصاد نواحی روستایی از دیدگاه ساکنین (مطالعه موردی: دهیاری دهبکری شهرستان بم). فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، ۴(۴)، ۱۰۴-۸۷ پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمدمیر. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.

پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر و شبانی، ملیحه. (۱۳۸۵). کارپایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۳، ۴۴-۹

جمعه پور، محمود. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت، ۹۸.

حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۳). مقدمه بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد دوم، تهران، سمت، صص ۳۱۳-۲۸۵.

رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.

رمضانیان، محمد. (۱۳۸۶). اعتما به مثابه یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۱۱۰-۱۰۵

شیخ حسنی، غلامرضا و مهمان‌دوست، فهیمه. (۱۳۸۹). نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستائیان در طرح‌های عمران روستایی مطالعه ی موردی: دهستان نساء. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۲۸، ۱۲۴-۱۰۹

طالب، مهدی، میرزایی، حسین، نادری، عفوآت. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی). توسعه روستایی، ۴(۱)، ۱۸-۱.

طوسی، محمد علی. (۱۳۷۰). مشرکت به چه معناست. مدیریت دولتی، ۱۳، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت

عنابتانی، علی‌اکبر و خسروبیگی، رضا و تقیلو، علی‌اکبر و زارعی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). بررسی الگوی فضایی - مکانی عاملیت‌های مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت مردم در نواحی روستایی بخش جعفر آباد، شهرستان قم. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۳۱، ۲۷-۷.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). دولت و مشارکت‌های اجتماعی روستائیان در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی کاشان. فصلنامه روستا و توسعه، ۴، ۱۱۲-۷۹

کوهی، کمال و تقوی، نعمت‌اله (۱۳۸۳). سنجش میزان مشارکت روستائیان در پروژه‌های توسعه روستایی. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، ۱۱۶-۸۱

موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۲۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان بناب، تهران: مرکز آمار ایران

نوروزی، فیض‌اله و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، ۵۳، ۲۶۹-۲۴۹.

وحید، فریدون و محسن نیازی. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۳.

Batjargal, B. (2007). Internet entrepreneurship: Social capital, human capital, and performance of Internet ventures in China. *Research policy*, 36(5), 605-618.

Carney, D. (1999). *Approaches to sustainable livelihoods for the rural poor* (p. 32). London: Overseas Development Institute.

Chambers, J., & Blackburn, W. (1996). The scope for effective local participation in the economic development and planning of rural areas and regions. *Washington, USA*.

Lea, D. A., & Chauanri, D. P. (1983). The nature, problems and approaches to rural development, rural development and the state. Cambridge University Press, Cambridge.

- Lowe, P. et al (2005). *Participation in Rural Development*, Center for Rural Economy, Official Publications of the Eropen, Loxamborg.
- Misra, Supriti and Damodar Suar (2005), Development and Partnership, *Journal of Rural Development*, 24(4), Oct-Des.
- Montgomery, J (2000). Social capital as policy resource, *policy science's*. 33, PP. 227-243.
- Tiepoh, M. G. N., & Reimer, B. (2004). Social capital, information flows, and income creation in rural Canada: a cross-community analysis. *The Journal of Socio-Economics*, 33(4), 427-448.
- Woodhouse, A. (2006). Social capital and economic development in regional Australia: A case study. *Journal of rural studies*, 22(1), 83-94.